

مقایسه سبک های دلبستگی و راهبردهای مقابله ای در زوجین دارای سازگاری زناشویی بالا و پایین

شادیه کریمی^۱، زینب خانجانی^۲

^۱ کارشناسی ارشد- واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

^۲ دکتری روانشناسی - استاد دانشگاه تبریز

نام نویسنده مسئول:

شادیه کریمی

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تعیین تفاوت بین زوجین از لحاظ سبک های دلبستگی و سبک های مقابله ای می باشد. روش پژوهش حاضر از نوع علی مقایسه ای است. جامعه آماری کلیه کارکنان متأهل دانشگاه آزاد تبریز در سال ۱۳۹۶ بودند. نمونه پژوهش شامل ۵۰ فرد متأهل با سازگاری بالا و ۵۰ فرد متأهل با سازگاری پایین بود که به شیوه نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انتخاب شدند. بدین ترتیب ابتدا پرسشنامه سازگاری زناشویی به آنها داده شد و از بین آنها افرادی که بالاترین و پایین ترین نمره را در سازگاری به دست آوردند، برای هر گروه انتخاب شدند و سپس به دو پرسشنامه سبک دلبستگی و راهبردهای مقابله ای پاسخ دادند. یافته ها تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد که بین افراد متأهل دارای سازگاری زناشویی بالا و پایین از لحاظ سبک مقابله ای اجتنابی تفاوت معناداری وجود داشت. اما بین افراد متأهل دارای سازگاری بالا و پایین از لحاظ سبک های دلبستگی تفاوت معناداری به دست نیامد. نتیجه گیری بر این اساس می توان نتیجه گرفت که سبک دلبستگی در سازگاری و ناسازگاری افراد متأهل مؤثر نیست. همچنین از بین سبک های مختلف مقابله ای فقط بین افراد متأهل دارای سازگاری بالا و پایین در سبک مقابله ای اجتنابی تفاوت وجود دارد و در سایر سبک های مقابله ای تفاوت معناداری باهم ندارند.

واژگان کلیدی: سبک های دلبستگی، راهبردهای مقابله ای و سازگاری زناشویی

مقدمه

ازدواج عامل پیدایش خانواده است و خانواده از دیدگاهی یک نشانه یا نماد اجتماعی به حساب می آید و برآیند یا انعکاسی از کل جامعه است. در یک جامعه منحصراً، خانواده نیز خود به خود منحط خواهد بود، بر عکس در جامعه سالم، سازمان‌های آن از جمله خانواده نیز از سلامت برخوردار خواهند بود (ساروخانی، ۱۳۸۸). روابط میان افراد خانواده به سلامت محیط خانواده کمک می کند؛ تفاهم میان خانواده منجر به احساس رضایتمندی از زندگی زناشویی می شود، در غیر این صورت خانواده با مشکل مواجه می شود (بنی اسدی، ۱۳۸۷).

ازدواج^۱ به عنوان یک نهاد اجتماعی پایه و اساس ارتباط انسانی را تشکیل می دهد؛ اما مهمتر از ازدواج، رضایت از ازدواج و سازگاری زناشویی است. سازگاری زناشویی وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع احساس خوشبختی و رضایت از همدیگر دارند. سازگاری از طریق علاقه متقابل به مراقبت از یکدیگر، پذیرش، درک یکدیگر و ارضای نیازها ایجاد می شود (فیشر و مک‌نالتی، ۲۰۰۸).

الیس^۲ (۱۹۹۷) معتقد است سازگاری زناشویی احساسات عینی خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده از طرف همسر با در نظر گرفتن همه جنبه های زندگی زناشویی است (نقل از صادقی، ۱۳۸۴). بر اساس بررسی های به عمل آمده، سازگاری زناشویی دارای چهار مؤلفه اصلی رضایت زوجی، توافق زوجی، همبستگی زوجی و بیان محبت آمیز است. رضایت زوجی میزان شادمانی در روابط و همچنین فراوانی تعارضات تجربه شده در رابطه را پوشش می دهد. توافق زوجی میزان موافقتی است که زوجین با هم در رابطه با موضوعات و اتخاذ تصمیمات مهم دارند. همبستگی زوجی، به این موضوع اشاره دارد که چند وقت یک بار یک زوج همراه هم درگیر فعالیت های مشترک می شوند و ابراز محبت نیز مربوط به این است که ابراز عشق و علاقه چند وقت یک بار انجام می گیرد (هالفورد، لیزیو و ویلسون، ۲۰۰۷).

از طرف دیگر، ناسازگاری در روابط زوجین موجب اختلال در روابط اجتماعی، گرایش به انحرافات اجتماعی، افول ارزش های فرهنگی در بین زن و شوهر می شود و اعضای خانواده به تدریج رضایتمندی خود را از دست می دهند (باومرین، ۲۰۱۲). متفکران و جامعه شناسان ناسازگاری های زناشویی را یکی از آسیب های اجتماعی به شمار می آورند، و بالابودن میزان آن را نشانه بارز اختلال در اصول اخلاقی و به هم خوردن آرامش خانوادگی و در مجموع دگرگونی در هنجارهای اجتماعی محسوب می دارند (بردبوری، فیچمن و بیچ، ۲۰۱۰).

جهت پیشگیری از ناسازگاری زناشویی می بایست به عوامل مؤثر بر آن توجه نمود. در زندگی زناشویی عوامل زیادی تأثیرگذار هستند، تعدادی از این عوامل تسهیل کننده سازگاری و برخی نیز زندگی زناشویی را دچار مشکلاتی می سازند (مقدم، ۱۳۹۴).

به نظر گاتمن^۳ (۲۰۰۳) بعضی ویژگی های روان‌شناختی مانند روان رنجوری و سبک های دلبستگی معیوب در روابط زناشویی احتمال بر و ناسازگاری را افزایش می دهند. در مطالعات کاگلین، مستون و هاتس^۴ (۲۰۰۲) در شناسایی عوامل تأثیرگذار بر رضایت زناشویی دو دیدگاه مطرح شده است، دیدگاه درون شخصی و بین شخصی که سبک دلبستگی به عنوان متغیری درون شخصی می تواند بر زندگی زناشویی تأثیر گذارد.

دلبستگی^۵ یکی از عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی است که در سال های اخیر به آن توجه شده است. بالبی^۶ معتقد است نوع رابطه مادر- کودک در سال های اولیه زندگی و میزان قابلیت دسترسی به مادر، میزان حمایت مادر هنگام احساس خطر، درجه حساسیت مادرانه و تکیه گاه ایمن بودن مادر برای کودک، سبک دلبستگی فرد را تعیین می کند (هازن و شاور^۷، ۱۹۸۷). فوگل^۸ اظهار می دارد که دلبستگی، پیوند هیجانی پایدار بین دو فرد است؛ به طوری که یکی از طرفین کوشش می کند نزدیکی یا مجاورت با موضوع دلبستگی را حفظ کرده و به گونه ای عمل کند تا مطمئن شود که ارتباط ادامه می یابد (خانجانی، ۱۳۹۴).

1. Marriage

2- Fisher & MC Nalty

3- Ellis

4- Hulford, Lizzio & Wilson

5 - Baumrin

6 - Bradbury, Fiacham & Beach

7 -Gutman and Carney

8 -Kaglin, Muston and Hats

9 - attachment

4-Balby

5-Hazan & shaver

6-Fogel

7-Innsworth

8-Crowley

موضوع اصلی نظریه دلبستگی این است که افراد در ارتباط خود با دیگران چقدر احساس امنیت می کنند و دلبستگی پایه مطمئنی برای تداوم ارتباطات بین فردی می باشد. بر اساس واکنش های مشاهده شده توسط پژوهشگران؛ اینزورث^{۱۳} سه سبک عمده دلبستگی را عنوان می کند که به نظر وی هر فردی در قالب یکی از این الگوها قرار می گیرد این سبک ها عبارتند از: دلبستگی ایمن، دلبستگی دو سویه و دلبستگی اجتنابی (خانجانی، ۱۳۹۴). دلبستگی چهار چوبی را فراهم می کند که به فهم دقیق و بهتر روابط زناشویی و شیوه های مقابله با تعارض زوجین کمک می کند (کراولی^{۱۴}، ۲۰۰۶).

نتایج پژوهش خانجانی و عیدی (۱۳۸۵) حاکی از آن بود زمانی که سبک دلبستگی زن و شوهر یکسان است، به عبارتی هردو ایمن، یا هردو اجتنابی و یا هردو دوسوگرا هستند، رضایت زناشویی آنها بالاتر از زوج هایی است که سبک دلبستگی غیر یکسان دارند. در میان سبک های مختلف دلبستگی، پایین ترین رضایت زناشویی متعلق به زوج هایی بود که یکی از آنها سبک دلبستگی اجتنابی و دیگری سبک دلبستگی دوسوگرا داشت (مقدم، ۱۳۹۴).

علاوه بر این، شیوه مقابله زوجین با استرس یکی از عوامل مهم تعیین کننده رضایت و دوام زندگی زناشویی آنهاست. هماهنگی هر دو زوج و شیوه های مقابله ای یکسان و مؤثر آنها، یک عامل مؤثر در ایجاد همخوانی برخورد با شرایط استرس زا است (اسماعیل کیا، ۲۰۱۳). تحقیقات بر راهبردهای سازگاران فردی هر کدام از زوجین و میزان تمرکز این راهبردها بر حل مسئله و بر هیجان و به هماهنگی یا متفاوت بودن با همدیگر تأکید می کنند (اسپانیر^{۱۵}، ۱۹۷۶). کارنی و استوری^{۱۶} (۲۰۰۴) عقیده دارند که ناتوانی در مقابله با استرس همراه با منابع و حمایت اجتماعی ناچیز، دلیل کلیدی برای افزایش نرخ طلاق در کشورهای غربی است. زوجین در مواجهه با شرایط جدید و تغییراتی که در زندگی آنها رخ می دهد، با دامنه ای از چالش ها روبرو می شوند که نحوه سازگاری آنها را تحت تأثیر قرار می دهد (نقل از اکبری، ۱۳۹۲). بر اساس نظریه بومن^{۱۷} زوج ها در هنگام درگیری های زناشویی و نارضایتی از وضعیت هایی که در روابط زناشویی پیش می آید به شیوه های خاصی واکنش نشان می دهند و به طور معمول این شیوه های مقابله به صورت یک الگوی رفتاری غالب در طول زندگی زناشویی دیده می شود، از این دیدگاه فراوانی الگوهای رفتاری تابع شدت مشکل و مسئله به وجود آمده است. بدین صورت که هرچه مشکل شدیدتر و فراوانی بیشتر و برای زوج اهمیت بالاتری داشته باشد، الگوهای رفتاری راهبردهای مقابله ای ملموس تر و قابل تشخیص تر می شود (کارلسون، اسپری و لوپس^{۱۸}، ۲۰۱۲).

چنانچه از طریق این تحقیق مشخص شود که سبک دلبستگی زوجین و سبک های مقابله ای آنها در افزایش میزان ناسازگاری مؤثر است، می توان از این یافته در مراکز مشاوره پیش از ازدواج استفاده های کاربردی داشت و با بررسی سبک های دلبستگی و مقابله ای زوجین مشاوره های پیش از ازدواج دقیق تری را رقم زد و توصیه های مناسب برای انتخاب افرادی که تناسب و تجانس در زمینه دلبستگی و مقابله باهم دارند، نمود و از طرفی اگر مشخص شود بیشترین اختلالات تحت تأثیر سبک های مقابله ای هیجان مدار طرفین است، می توان با آموزش استفاده از سبک های مقابله ای مسئله مدار از میزان ناسازگاری های پیش از ازدواج کاست. بنابراین به دلایل کاربردی و از سوی دیگر اندک بودن یافته هایی که این دو متغیر را کنار یکدیگر بررسی کرده باشند، می توان ضرورت این پژوهش را مطرح نمود.

پیشینه تحقیق

مطلب و حمیدی پور (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان پیش بینی سازگاری زناشویی براساس سبک های دلبستگی و راهبردهای مقابله با استرس در زنان خانه دار عضو دارالقرآن شهر قم به این نتیجه رسیدند که بین راهبردهای مقابله با استرس و سازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود ندارد.

دهنوی، برزگران و خرقانی (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه سبک های مقابله ای با سازگاری زناشویی معلمان زن شهرستان صحنه نشان دادند که سبک مقابله ای مسئله مدار با سازگاری زناشویی رابطه مثبت معنادار و سبک هیجان مدار با رضایت زناشویی رابطه منفی معنادار دارد. همچنین رضایت افراد از ازدواج و رابطه زناشویی خود تحت تأثیر شیوه مقابله با مسائل قرار می گیرد. مقابله مسئله مدار در افزایش رضایت زناشویی و مقابله هیجان مدار و کاهش آن نقش دارد.

ماردپور و دمساز (۱۳۹۴) در زمینه ارتباط بین تیپ های شخصیتی، راهبرد های مقابله ای و زوجین دارای سازگاری زناشویی در زوج های ۳۰-۱۸ ساله شهر یاسوج به این نتیجه رسیدند که بین سازگاری زناشویی و راهبردهای مقابله ای ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

رسولی و فرحبخش (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه سبک های دلبستگی و منبع کنترل با سازگاری زناشویی شامل مردان و زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره مناطق ۱۱ و ۱۷ استان تهران نشان دادند که سبک های دلبستگی با سازگاری زناشویی رابطه معناداری

¹⁵ -Spanier

¹⁶ - Carney and Stury

¹⁷ - Buman

¹⁸ - Carlson, Sperry & Lewis

ندارد. همچنین یافته های حاکی از وجود رابطه بین سبک های دلبستگی و منبع کنترل بوده و نشان داد که سبک دلبستگی ایمن سهم بیشتری در پیش بینی سازگاری زناشویی ندارد.

ازمان و آتیک^{۱۹} (۲۰۱۰) تحقیقی به منظور بررسی رابطه بین سبک های دلبستگی و سازگاری زناشویی افراد متأهل انجام دادند. نتایج نشان داد متغیرهای اجتناب و انکار و متغیر جنسیت از پیش بینی شده ترین عوامل تعدیل کننده سازگاری زناشویی هستند (نقل از مزالیس و آبرامسون^{۲۰}، ۲۰۱۵).

هین، بویس و وان^{۲۱} (۲۰۰۵) در تحقیق خود به منظور بررسی رابطه سبک های دلبستگی و افسردگی با سازگاری زناشویی نشان دادند که بین سبک دلبستگی ایمن با افسردگی ارتباط منفی و با سازگاری زناشویی ارتباط مثبتی وجود دارد. از طرف دیگر سبک های دلبستگی نایمن ارتباط منفی معناداری با سازگاری زناشویی و ارتباط مثبتی با افسردگی داشت (نقل از افروز^{۲۰۰۹}).

سیلویا و رسکولر^{۲۲} (۲۰۱۴)، در تحقیق خود به منظور بررسی رابطه سبک های دلبستگی و استرس با رضایتمندی زناشویی نشان دادند که رابطه مثبت و معنی داری بین سبک های مقابله با استرس و رضایت زناشویی وجود دارد. همچنین زنانی که از سبک های مقابله مسئله مدار استفاده کردند رضایت زناشویی بیشتری گزارش کردند (نقل از مزالیس و آبرامسون^{۲۰۱۵}).

مبانی نظری تحقیق

سازگاری زناشویی شیوه ای است که افراد متأهل، فردی یا با هم، با متأهل بودنشان سازگار می شوند (افروز^{۲۰۰۹}). لاک و توماس بیان می کنند که یک ازدواج سازگار، واحدی است که زن و شوهر بر سر موضوعات اصلی ازدواج، از قبیل مسائل مادی و خویشاوندی توافق دارند و می توانند بر سر اهداف، علایق و ارزشها سازگاری داشته باشند و در نشان دادن هیجانات و عواطف و اطمینان به یکدیگر همنا باشند و همچنین به ندرت از ازدواجشان شکایت دارند (گریف^{۲۳}، ۲۰۱۰).

مطابق با نظر هادسن^{۲۴} (۲۰۱۲) ادراک زن یا شوهر از میزان شدت و دامنه مشکلات موجود در رابطه منعکس کننده سطح سازگاری زناشویی آنهاست. برخی از عوامل شناخته شده در بهبود سازگاری زناشویی عبارتند از: ارتباط مؤثر و کارآمد میان شوهر و همسر، پذیرش تفاوت ها، پاداش هایی که طرفین به یکدیگر می دهند، مهارت حل مساله، شیوه اداره و حل اختلاف هاف صمیمیت در روابط زناشویی و رضایت جنسی (نقل از کارلسون و همکاران^{۲۰۱۲}).

برخی از نظریه های مرتبط با سازگاری زناشویی عبارتند از:

نظریه چرخه زندگی: نظریه چرخه زندگی زناشویی با تقسیم بندی مراحل زندگی و تغییرات تنش ها و نقش های خاص هر مرحله به بررسی تفاوت ها در سطح رضایتمندی زناشویی که ناشی از تغییرات دوره های مختلف است، می پردازد. این نظریه هر مرحله از چرخه زندگی را محصول توالی منظم وقایع قبلی می داند، چنین رویکردی برای توجیه تأثیرات چرخه زندگی بر روابط هم مفید می باشد (آکرمن^{۲۵}، ۱۹۹۹).

نظریه مدل اجتماعی نای: یکی از نظریه های مهم در زمینه ازدواج و خانواده که توجیه مناسبی برای روابط رضایت بخش و بالعکس می باشد، نظریه مبادله اجتماعی نای^{۲۶} (۱۹۷۸)، است. این نظریه مبتنی بر یک مدل اقتصادی از رفتار انسانی است. فرض اساسی در نظریه فوق این است که روابط با پاداش های بیشتر و هزینه های کمتر رضایتمندی بیشتری را ایجاد خواهد کرد و دوام بیشتری خواهد داشت. دوام یک رابطه با سطح کلی پاداش های موجود مرتبط می باشد. این نظریه اشاره به این مطلب دارد که هرکس منابع شخصی مانند پول، دانش، استعداد، عاطفه و ... دارد که برای پاداش مناسب به دیگران از این منابع استفاده می کنند. چنین منابعی می توانند منابع قدرت در تصمیم گیری زوجین باشد. نظریه مبادله اجتماعی می تواند به طور گسترده ای برای کمک به زوجین در موقعیت های دارای تعارض استفاده شود.

1.Ozmen and Attic

20 - Mezulis & Abramson

3- Hein, Bois & Van

4-Sylvia & Rsecula

1- Greef

2-Hudson

3-Ackman

4-Nay

5-Spray

اکثر درمان های موفق زناشویی به حداکثر سازی جنبه های پاداش دهنده روابط و به حداقل رساندن موانع تأکید می کنند (برنشتاین و برنشتاین، ترجمه سهرابی، ۱۳۸۹).

نظریه ژست اسپری: اسپری^{۲۷} می گوید اغلب جامعه شناسان خانواده معتقدند ازدواج نظامی است که تمایل به ثبات سازگاری و هماهنگی برای رضایتمندی دارد و بیشتر روی ثبات و هماهنگی برای حل مشکلات زندگی تکیه می کنند. از طرف دیگر وی متذکر می شود که از نظر جامعه شناسان در حقیقت، ثبات همان هماهنگی است، در حالی که این دو مفهوم می تواند از یکدیگر به کلی جدا باشد. انتخاب ثبات به عنوان هدف مطلوب ازدواج، ناشی از پذیرش بعضی از ارزش های مربوط به خانواده و ازدواج است. ثبات می تواند ناشی از پذیرش یک هنجار اجتماعی باشد و یا ارزش های شخصی حاصل شود. اسپری معتقد است بسیاری از ازدواج ها ثبات دارند ولی بین زن و مرد هماهنگی و رضایتمندی وجود ندارد و تعارض هایی بین آنها دیده می شود (آندره، ترجمه اردلان، ۱۳۸۸).

نظریه ارتباطات: فرایند ارتباط خانواده یکی از زمینه های مورد علاقه مشاوران در خانواده درمانی است. نویسندگانی چون پاول، ژانت بوئن و جکسون^{۲۸} (۱۹۷۶)، ارتباط انسانی را در سه بعد تعریف کرده اند: ترکیب (مجموعه ای از قرار داده ها و قوانین دستور زبان ماست که به منظور بیان معنی در ساختار قرار گرفته است)، معانی (به معنی مفهوم واژه ها مربوط می شود و به میزان و کیفیت زبان و کاربرد آن بستگی دارد) و اعمال (شامل رفتارهای کلامی و غیر کلامی و مطالعه ی اثرات رفتاری ارتباط است) (نقل از نوایی نژاد، ۱۳۸۶).

نظریه سیستمی: در نظریه ساختی، مینوچین معتقد است خانواده وقتی معیوب می شود که قواعدش اجرا نشود، وقتی مرزها خیلی سفت و سخت یا نفوذپذیری شوند عملکرد خانواده به عنوان یک نظام مختل می شود. اگر سلسله مراتب خانواده رعایت نشود، یعنی والدین تصمیم گیران اصلی نباشند و کودکان بزرگتر بیش از کودکان کوچکتر مسئولیت نداشته باشند، آشفتگی و مشکل پیش می آید (افروز، ۲۰۰۹).

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی است و با توجه به این که دو گروه از زوجین دارای سازگاری زناشویی بالا و پایین را از نظر سبک های دلبستگی و سبک های مقابله ای مقایسه نموده از نوع علی-مقایسه ای می باشد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه کارمندان متأهل دانشگاه آزاد شهر تبریز در سال ۱۳۹۶ بود.

در این پژوهش از روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای استفاده شد. بدین صورت که ابتدا از بین دانشکده های مختلف دانشگاه تبریز چهار دانشکده انتخاب و در مرحله بعد از دریافت معرفی نامه از آموزش دانشگاه، لیست کارمندان متأهل دانشکده ها دریافت شد و سپس به آنها مراجعه و ضمن توضیح طرح از آنها خواسته شد که صادقانه پاسخ دهند زیرا اطلاعات محرمانه خواهد بود و بدون اسم دریافت می شود. در گام بعدی پرسشنامه ها نمره گذاری شد و از بین آنهایی که بالاترین نمره را در سازگاری و پایین ترین نمره را به دست آورده اند ۵۰ نفر برای هر گروه انتخاب شد و دو پرسشنامه سبک دلبستگی و سبک های مقابله ای به آنها داده شده تا بدان پاسخ دهند.

برای سنجش سبک های دلبستگی از پرسشنامه دلبستگی شیور و هازن^{۲۹} (AAQ) استفاده شد. این پرسشنامه یک پرسشنامه خود ارزیابی است بر اساس مقیاس ۷ درجه ای از نوع لیکرت. آزمودنی در مورد سه توصیف ارائه شده، وضعیت خود را در مورد میزان تطابقش با هر توصیفی که بیانگر یک سبک دلبستگی است مشخص می کند. این پرسشنامه شامل سه سبک دلبستگی می باشد که عبارتند از: سبک ایمن، اجتنابی و دوسوگرا. در پژوهش پاکدامن (۱۳۸۳) بر روی یک نمونه ۱۰۰ نفری، ۵۰ دختر و ۵۰ پسر، پایایی آزمون با روش آزمون-آزمون مجدد به ترتیب برای دلبستگی دوسوگرا، اجتنابی و ایمن برابر، ۰/۷۲، ۰/۵۲، ۰/۳۷ و میزان آلفای کرونباخ نیز برابر ۰/۷۹- به دست آمد که میزان اعتبار نسبتاً بالایی را نشان می دهد.

برای سنجش سبک های مقابله ای از پرسشنامه راهبردهای مقابله ای (WOCQ) لازاروس و فولکمن^{۳۰} (۱۹۸۴) استفاده شد که شامل ۶۶ گویه است و هشت روش رویارویی را بررسی می کند. این روش های هشتگانه به دو دسته روش های مسئله مدار و هیجان مدار تقسیم شده که بر مبنای یک مقیاس درجه بندی شده توسط صفر تا سه است. متغیرهای راهبردهای مقابله ای هیجان مدار شامل: مقابله مستقیم، پرت کرن حواس، خویشتن داری، گریز، گریز-اجتناب و راهبردهای مقابله ای مسئله مدار شامل: طلب حمایت اجتماعی، پذیرش مسئولیت، حل مسئله و ارزیابی مجدد مثبت می شوند. پایایی پرسش نامه در پژوهش واحدی (۱۳۸۹) با استفاده از روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ ۰/۸۰) برآورده شده است.

برای سنجش سازگاری زناشویی از مقیاس سازگاری گراهام اسپانیر^{۳۱} (۱۹۷۶) استفاده شد که یک ابزار ۳۲ سوالی برای ارزیابی کیفیت رابطه زناشویی از نظر زن یا شوهر یا هر دو نفری است که با هم زندگی می کنند. این مقیاس چهار بعد رابطه را می سنجد. این چهار بعد

^{۲۷}- Spray

^{۲۸}- Powell & Janet & Bowen and Jackson

1. Shiver and Hazan

2. Lazarus and Folekman

3- Lack-wals

از این قرارند: رضایت دو نفری، همبستگی دو نفری، توافق دو نفری و ابراز محبت. نمره کل مقیاس با آلفای کرونباخ ۰/۹۶ از همسانی درونی خوبی برخوردار است. همسانی درونی خرده مقیاس ها بین خوب تا عالی است؛ رضایت دو نفری ۰/۹۴، همبستگی دو نفری ۰/۸۱، توافق دو نفری ۰/۹۰ و ابراز محبت ۰/۷۳ (ثنایی، ۱۳۷۹). این مقیاس با روش های منطقی روایی محتوا چک شده، مقیاس سازگاری زن و شوهر با قدرت تمیز دادن زوج های متاهل و مطلقه، در هر سوال روایی خود را برای گره های شناخته شده نشان داده است. این مقیاس از روایی همزمان نیز برخوردار است و با مقیاس رضایت زناشویی لاک-والس^{۳۱} همبستگی دارد (ثنایی، ۱۳۸۸). تجزیه و تحلیل داده های آماری پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS 22 صورت گرفته است و آزمون آماری صورت گرفته شامل تحلیل واریانس چندمتغیره است.

یافته های پژوهش

ویژگی های جمعیت شناختی آزمودنی ها در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. ویژگی های جمعیت شناختی آزمودنی ها

جنسیت	محدوده سنی	تحصیلات	
مرد	۲۵-۳۰	۲۱	دیپلم ۶
زن	۳۱-۴۰	۵۵	فوق دیپلم ۷
کل	۴۱-۴۵	۲۴	لیسانس و بیشتر ۸۷

داده های آماری پرسشنامه های سبک های دلبستگی و راهبردهای مقابله ای در دو گروه از افراد متاهل دارای سازگاری زناشویی بالا و پایین در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. آماره های توصیفی پرسشنامه های سبک های دلبستگی و راهبردهای مقابله ای

گروه ها	سازگاری بالا	سازگاری پایین	
متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین
سبک های دلبستگی	ایمن	۴/۰۸۰	۱/۶۳۹
	دو سوگرا	۳/۵۶۰	۱/۸۵۳
	اجتنابی	۳/۲۲۰	۲/۰۲۳
	حمایت اجتماعی	۱۰/۸۶۰	۳/۳۶۲
	پذیرش مسئولیت	۷/۲۶۰	۱/۸۱۶
راهبردهای مقابله ای	حل مساله	۱۰/۳۸۰	۲/۳۴۶
	ارزیابی مجدد	۱۱/۶۴۰	۳/۱۵۴
	مقابله مستقیم	۷/۲۲۰	۲/۲۰۶
	پرت کردن حواس	۸/۰۴۰	۲/۸۵۶
	خویشتن داری	۱۱/۱۸۰	۳/۲۳۰
	اجتناب	۸/۱۸۰	۲/۹۳۹

فرضیه اول پژوهش: بین زوجین دارای سازگاری بالا و پایین از لحاظ سبک های دلبستگی (ایمن، دوسوگرا و اجتنابی) تفاوت وجود دارد.

به منظور بررسی تفاوت بین زوجین دارای سازگاری بالا و پایین از لحاظ سبک های دلبستگی ایمن، دوسوگرا و اجتنابی از تحلیل واریانس دو گروهی استفاده به عمل آمد. در ابتدا به بررسی نرمال بودن داده ها پرداخته ایم که خروجی آن در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. نتایج آزمون ام باکس برای ماتریس ها و کواریانس ها

شاخص	F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
۸/۱۴۸	۱/۳۱۹	۶	۶۹۵۸۳/۶۹۸	۰/۲۴۵

با توجه به جدول ۳ آزمون ام باکس برای همه ماتریس ها و کواریانس ها مشاهده می شود. همان گونه که مشاهده می شود سطح معناداری در آزمون ام باکس $P=0/245$ بنابراین فرض همسان سازی ماتریس ها و کواریانس ها برقرار است.

جدول ۴. نتایج آزمون های چند متغیره

منابع تغییرات	مقدار	F	درجه آزادی	سطح معناداری	مجذور اتا
اثر پیلایی	۰/۰۴۱	۱/۳۵۶	۳	۰/۲۶۱	۰/۰۴۱
لامبدای ویکلز	۰/۹۵۹	۱/۳۵۶	۳	۰/۲۶۱	۰/۰۴۱
آزمون هتلینگ	۰/۰۴۲	۱/۳۵۶	۳	۰/۲۶۱	۰/۰۴۱
آزمون روی	۰/۰۴۲	۱/۳۵۶	۳	۰/۲۶۱	۰/۰۴۱

اثر پیلایی^{۳۲}، لامبدای ویکلز^{۳۳}، اثر هتلینگ^{۳۴} و بزرگترین ریشه روی چهار آزمونی هستند که فرض صفر را در مورد نبود تفاوت بین متغیرهای مستقل (گروه ها) در جامعه متغیر وابسته ارزیابی می کنند به طور معمول در بیشتر ادبیات تحقیق لامبدای ویکلز گزارش می شود. برای تفسیر معناداری این چهار آزمون باید از مقدار Sig استفاده کرد. بر اساس این مقدار هرگاه سطح معناداری اثر موردآزمون از ۰/۰۵ کوچکتر باشد در آن صورت می توانیم نتیجه بگیریم که آن اثر معنادار است. با توجه به جدول ۴ نتایج حاصل از آزمون چند گانه لامبدا ویکلز برابر $f=1/356$ و $f=0/959$ و سطح معناداری برابر $p=0/261$ از آنجایی که سطوح خطای هر چهار آزمون بالاتر از ۰/۰۵ می باشد بنابراین در بین گروه های دارای سازگاری بالا و پایین در متغیرهای مورد بررسی (ایمن، دوسوگرا، اجتنابی) تفاوت معناداری وجود ندارد و فرضیه پژوهش رد می شود.

جدول ۵. مقایسه میانگین های سبک های دلبستگی در دو گروه سازگاری زناشویی

متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	ضریب F	سطح معناداری	مجذور اتا
ایمن	۰/۱۶۰	۱	۰/۱۶۰	۰/۰۴۳	۰/۸۳۶	۰/۰۰۰
دوسوگرا	۱۶/۸۱۰	۱	۱۶/۸۱۰	۳/۸۸۴	۰/۰۵۲	۰/۰۳۸
اجتنابی	۰/۰۴۰	۱	۰/۰۴۰	۰/۰۱۰	۰/۹۲۱	۰/۰۰۰

همان طور که در جدول ۵ مشاهده می شود نتایج حاصل از تحلیل واریانس چند متغیره بین دو گروه (سازگاری بالا و پایین) در سه سبک دلبستگی (ایمن، دوسوگرا و اجتنابی) تفاوت معناداری وجود ندارد.

فرضیه دوم پژوهش: بین زوجین دارای سازگاری بالا و پایین از لحاظ سبک های دو گانه (مسئله مدار و هیجان مدار) تفاوت وجود دارد.

جدول ۶. نتایج آزمون ام باکس برای ماتریس ها و کواریانس ها

شاخص	F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
۸/۷۶۲	۲/۰۴۰	۳۶	۳۲۳۱۶/۰۵۶	۰/۰۶۷

همان طور که در جدول ۶ مشاهده می شود سطح معناداری آزمون باکس $p=0/067$ می باشد بنابراین فرض همسان سازی ماتریس ها و کواریانس ها برقرار است.

جدول ۷. نتایج آزمون های چند متغیره

منابع تغییرات	مقدار	F	درجه آزادی	سطح معناداری	مجذور اتا
اثر پیلاپی	۰/۱۶۶	۲/۲۷۱	۸	۰/۰۲۹	۰/۱۶۶
لامبدای ویکلز	۰/۸۳۴	۲/۲۷۱	۸	۰/۰۲۹	۰/۱۶۶
آزمون هتلینگ	۰/۲۰۰	۲/۲۷۱	۸	۰/۰۲۹	۰/۱۶۶
آزمون روی	۰/۰۰۲	۲/۲۷۱	۸	۰/۰۲۹	۰/۱۶۶

با توجه به جدول ۷ نتایج حاصل از آزمون چندگانه لامبدا برابر $F=۲/۲۷۱$ و $P=۰/۰۲۹$ بنابراین در بین گروه های (سازگاری بالا و پایین) در دو سبک مقابله ای (هیجان مدار و مسئله مدار) تفاوت معناداری وجود دارد و فرضیه پژوهشی تأیید می شود.

جدول ۸. مقایسه میانگین های زیر مؤلفه های راهبردهای مقابله ای در دو گروه سازگاری زناشویی

همان	متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	ضریب F	سطح معناداری	مجذور اتا	طور که
در جدول مشاهده	حمایت اجتماعی	۶/۲۵۰	۱	۶/۲۵۰	۰/۴۷۴	۰/۴۹۳	۰/۰۰۵	۸
نتایج	پذیرش مسئولیت	۵/۷۶۰	۱	۵/۷۶۰	۱/۳۹۷	۰/۲۴۰	۰/۰۱۴	می شود
تحلیل	حل مساله	۶/۲۵۰	۱	۶/۲۵۰	۰/۷۱۸	۰/۳۹۹	۰/۰۰۷	حاصل از
چند	ارزیابی مجدد	۴/۸۴۰	۱	۴/۸۴۰	۰/۴۶۴	۰/۴۹۷	۰/۰۰۵	وارینانس
بین	مقابله مستقیم	۲۴/۰۱۰	۱	۲۴/۰۱۰	۲/۷۹۹	۰/۰۹۷	۰/۰۲۸	متغیره
	پرت کردن حواس	۷/۸۴۰	۱	۷/۸۴۰	۰/۸۴۸	۰/۳۵۹	۰/۰۰۹	
	خویشتن داری	۰/۶۴۰	۱	۰/۶۴۰	۰/۰۶۷	۰/۷۸۷	۰/۰۰۱	
	اجتناب	۱۰۴/۰۴۰	۱	۱۰۴/۰۴۰	۹/۴۲۴	۰/۰۰۳	۰/۰۸۸	

دو گروه (سازگاری بالا و پایین) در دو سبک مقابله ای هیجان مدار و مسئله مدار به طور کلی تفاوت معناداری وجود ندارد. نتایج ضریب F در دو سبک مقابله ای نشان دهنده این است که بین مؤلفه های حمایت اجتماعی، پذیرش مسئولیت، حل مسئله، ارزیابی مجدد مثبت، مقابله مستقیم، پرت کردن حواس و خویشتن داری تفاوت معنادار وجود ندارد و فقط بین مؤلفه اجتناب در آزمودنی های دو گروه (سازگاری بالا و پایین) در سطح $۰/۰۵$ تفاوت معنادار وجود دارد، لذا نتیجه می گیریم که با ۹۵ درصد اطمینان دو گروه دارای سازگاری بالا و پایین از نظر سبک اجتنابی متفاوت می باشند.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر مقایسه سبک های دلبستگی و راهبردهای مقابله ای زوجین دارای سازگاری زناشویی بالا و پایین بود. یکی از فرضیه های پژوهش این بود که بین زوجین دارای سازگاری زناشویی بالا و پایین از لحاظ سبک دلبستگی تفاوت وجود دارد. طبق نتایج به دست آمده از این پژوهش بین سبک های دلبستگی در دو گروه از افراد دارای سازگاری زناشویی بالا و پایین تفاوت معناداری مشاهده نشد به عبارت دیگری بین افراد دارای سازگاری بالا و پایین در سازگاری زناشویی از نظر سبک های ایمن و نایمن تفاوت وجود نداشت. تحقیق حاضر با مطالعات یآوری (۱۳۸۶) و رسولی و فرحبخش (۱۳۹۲) همسو است. یآوری در سال (۱۳۸۶) به بررسی رابطه بین سبک های دلبستگی و هوش هیجانی و تأثیر آنها بر سازگاری زناشویی پرداخت و نشان داد هوش هیجانی تأثیر بیشتری نسبت به تأثیر سبک دلبستگی بر سازگاری زناشویی دارد. همچنین رسولی و فرحبخش (۱۳۹۲) در پژوهشی نشان دادند که سبک های دلبستگی با سازگاری زناشویی رابطه معناداری ندارد. اما این یافته پژوهش حاضر با تحقیق ایزدی (۱۳۹۱) ناهمسو می باشد. بانز^۳ (۲۰۰۴) در مطالعه خود گزارش کرد که سبک دلبستگی ایمن با رضایتمندی زناشویی رابطه مثبت و دلبستگی غیرایمن با رضایتمندی زناشویی، رابطه منفی دارد که نتایج این تحقیق با یافته های وی همخوانی ندارد. وی معتقد است که افراد دارای سبک ایمن به دیگران اعتماد دارند، به آسانی رابطه برقرار می کنند، از ارتباطات خود لذت می برند، نگران طرد شدن نیستند، دارای ثبات اند، در روابطشان لذت، صداقت و رفاقت وجود دارد و احساس ارزش نسبت به خود و دیگران دارند.

درباره یافته های حاضر چنین می توان استنباط کرد که عدم تفاوت پژوهش حاضر با یافته های پژوهش شمس نظنزی (۱۳۹۱) را می توان به تفاوت در نمونه ها نسبت داد که نمونه مورد مطالعه در پژوهش نظنزی از میان زوج های شهر ماسال انتخاب شده بودند که بخشی از این نمونه را افراد شاغل و بخشی دیگر را افراد خانه دار تشکیل می دادند که در رابطه با سطح تحصیلات نیز افرادی با سطح تحصیلات پایین تر از دانشگاه و دانشگاهی حضور داشتند؛ در مقابل در پژوهش حاضر نمونه مورد مطالعه از زوج های تیریزی انتخاب شده اند که همه زوجین شرکت کننده در پژوهش شاغل و جزو کارکنان متأهل دانشگاه آزاد تبریز بودند. بنابراین می توان بیان کرد که صرف قرار گرفتن افراد در خانواده های با میزان سازگاری و انسجام پایین ممکن است در همه ابعاد دلبستگی آسیب زا نباشد بلکه عوامل متعددی در بروز ناسازگاری و آشفته گی دخالت داشته باشند.

یکی دیگر از یافته های پژوهش حاضر حاکی از آن بود که از بین هشت زیر مؤلفه سبک های مقابله ای شامل جستجوی حمایت اجتماعی، مسئولیت پذیری، حل مسئله، ارزیابی مجدد مثبت، مقابله رویاروگر، دوری جویی، خویشتن داری و اجتناب بین دو گروه دارای سازگاری زناشویی بالا و پایین فقط در زیر مؤلفه اجتناب تفاوت معنی داری وجود داشت. بررسی میانگین های دو گروه سازگاری زناشویی بالا و پایین از لحاظ سبک مقابله ای اجتنابی، میزان استفاده از سبک مقابله ای اجتنابی در گروه دارای سازگاری زناشویی پایین به مراتب بیشتر از افراد دارای سازگاری زناشویی بالاتر می باشد. به عبارت روشن تر افراد متأهل دارای سازگاری زناشویی بالاتر کمتر از سبک اجتنابی برای حل مشکلات خود استفاده می کنند. به نظر می رسد یکی از دلایل بالاتر بودن سازگاری زناشویی در این افراد همین مسئله مهم می باشد. این یافته پژوهش با یافته های اسماعیلی کیا (۲۰۱۳) و هاشمی گلشن آبادی (۱۳۸۶) همسو می باشد.

پژوهش هاشمی گلشن آبادی (۱۳۸۶) با عنوان رابطه بین راهبردهای حل تعارض با رضایتمندی زناشویی نشان داد که راهبردهای غفلت، خاتمه دادن و سوء رفتار زنان و شوهران با رضایتمندی زناشویی رابطه منفی معناداری وجود دارد. چراغی و حسن زاده (۱۳۹۰) نشان دادند که میزان سازگاری زوجین با شیوه مسأله مدار و سپس با شیوه هیجان مدار همبستگی مثبت و با شیوه اجتنابی همبستگی منفی معنی دار دارد. این بدین معناست که زوجین با میزان رضایت بالا، بیشتر از شیوه مقابله با استرس مسأله مدار و سپس از شیوه هیجان مدار و زوجین با میزان رضایت پایین از شیوه اجتنابی استفاده می کنند.

اما این یافته با تحقیقات مطلب و حمید پور (۱۳۹۵) همسو نمی باشد. به طوری که مطلب و حمید پور (۱۳۹۵) در مطالعه خود گزارش کردند بین راهبردهای مقابله با استرس و سازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود ندارد.

زوجین ناموفق از راهبردهای ناکارآمدی همچون اجتناب از مسائل و جنجال به پا کردن و بگومگوهای بی نتیجه استفاده می کنند، این در حالی است که زوجین موفق راهبردهای مبتنی بر حل تعارض، کمک از متخصصین و دریافت حمایت از خانواده های اصلی خود استفاده می کنند که به مراتب موجب بالا رفتن سطح عملکرد مطلوب خانواده می شود. راهبردهای مقابله ای ناکارآمد موجب اختلال در عملکرد سیستم خانواده و تعارضات زناشویی می شود. در مجموع شاید بتوان برای تبیین این یافته در پژوهش حاضر این نکته را مطرح کرد که نارضایتی در زندگی زناشویی به دلیل آشنایی نداشتن با مهارت های مقابله ای زندگی و ارتباطی است. بسیاری از اختلافات و نارضایتی ها بر اثر نداشتن آگاهی به وجود می آید.

محدودیت های این پژوهش مسائل و مشکلات در رابطه با نمونه گیری و گروه بندی آزمودنیها، هماهنگی با دانشکده ها و نحوه همکاری کارکنان و عدم امکان کنترل کامل آزمودنیها از نظر وضعیت اقتصادی و اجتماعی و احتمال تاثیر آنها بر روند پژوهش بودند. همچنین با توجه به نتایج بدست آمده پیشنهاد می شود در پژوهش های بعدی با تاکید بر مصاحبه تشخیصی محدودیت های احتمالی ناشی از ارزیابی سازگاری زناشویی توسط ابزارهای سنجش مرتفع گردد.

منابع

- اکبری، زهرا. (۱۳۹۲). *اثربخشی آموزش گروهی غنی سازی زندگی زناشویی بر الگوهای ارتباطی و رضایت جنسی زوجین*. طرح پژوهشی، سازمان بهزیستی استان سمنان.
- ایزدی، زهرا. (۱۳۹۱). *مقایسه ویژگی های شخصیتی، سلامت روانی با رضایت زناشویی زوجین مراجعه کننده به مرکز مشاوره نیروی انتظامی فارس*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- اندره، میشل. (۱۳۸۸). *جامعه شناسی خانواده و ازدواج*. ترجمه فرنگیس اردلان. تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.
- بنی اسدی، لیلا. (۱۳۸۷). *بررسی مقایسه ای عوامل مؤثر اجتماعی، فردی و شخصیتی در زوجین با مشکلات زناشویی*. فصلنامه تازه های روان درمانی. سال پنجم شماره ۱۹ و ۲۰، ۷۳-۸۶.
- برنشتاین، فیلیپ، و برنشتاین، ماری. (۱۳۸۹). *زناشویی درمانی*. ترجمه حمیدرضا سهرابی. تهران: انتشارات موسسه فرهنگی رسا.
- ثنایی، باقر. (۱۳۸۸). *سنجش خانواده ها و زوجین*. تهران: انتشارات بعثت.
- چراغی، مهرآذر، و حسن زاده، مرضیه. (۱۳۹۰). *رابطه میزان انسجام خانواده با شیوه های مقابله با استرس نوجوانان دختر و پسر*. دانشگاه آزاد مرودشت، دومین همایش ملی روانشناسی-روانشناسی خانواده، ۵، ۱۹-۱.
- خانجانی، زینب. (۱۳۹۴). *تحول و آسیب شناسی دلبستگی از کودکی تا نوجوانی*. تبریز: نشر فروزش.
- خانجانی، زینب، و عیدی، رقیه. (۱۳۸۵). *بررسی رضایت زناشویی در سبک های مختلف دلبستگی*. فصلنامه علمی پژوهشی روانشناسی، سال اول، شماره ۲ و ۳، ۴۲-۳۴.
- دهنوی، لیلا، برزگران، شراره، و خرقانی، ناهید. (۱۳۹۳). *بررسی رابطه سبک های مقابله ای با رضایت زناشویی معلمان زن متأهل شهرستان صحنه*. اهواز: اولین کنگره ملی روانشناسی خانواده گامی در ترسیم الگوی مطلوب خانواده رسولی، زینب، و فرح بخش، کیومرث. (۱۳۹۲).
- رابطه سبک های دلبستگی و منبع کنترل با سازگاری زناشویی. *اندیشه و رفتار (روانشناسی کاربردی)*، دوره ۴، شماره ۱۳، ۲۴-۱۷.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۸). *مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده*. تهران: نشر سروش.
- شمس نطنزی، علیرضا. (۱۳۹۱). *بررسی تأثیر سبک های دلبستگی و بخشایشگری بر رضایت زناشویی در زوجین شهر ماسال*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز تهران.
- صادقی، سوسن. (۱۳۸۴). *بررسی عوامل شخصیتی بر سازگاری زناشویی شهر اصفهان*. هفته نامه فرهنگ و پرورش، شماره ۱۸۷، ۳۳-۳۱.
- مقدم، صادق. (۱۳۹۴). *میزان رضایت از زندگی زناشویی در زنان شاغل و خانه دار و همسران آنها*. مجله دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی گناباد، دوره ۱۲، شماره ۲، ۵۰-۴۵.
- مطلب، زهرا، و حمیدی پور، رحیم. (۱۳۹۵). *رابطه سبک های دلبستگی و راهبردهای مقابله با استرس با سازگاری زناشویی زنان خانه دار عضو دارالقرآن شهر قم*. سومین کنفرانس بین المللی روانشناسی، مشاوره و علوم رفتاری، ۱۹ آذر ماه، تهران، ایران.
- ماردپور، علیرضا، و دمساز، نرگس. (۱۳۹۴). *بررسی ارتباط بین تیپ های شخصیتی، راهبردهای مقابله ای و سازگاری زناشویی در زوج های ۳۰-۱۸ ساله شهر یاسوج*. تهران: دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- نوابی نژاد، شکوه. (۱۳۸۶). *مشاوره ازدواج و خانواده درمانی*. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- یاوری، طیبه. (۱۳۸۶). *بررسی رابطه بین هوش هیجانی و سبک های دلبستگی بر سازگاری زناشویی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهرا.
- هاشمی گلشن آبادی، سمیه. (۱۳۸۶). *بررسی تأثیر روش های حل تعارض بر رضایت زناشویی زنان و مردان متأهل ساکن شهر تهران*. پایان نامه کارشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

References:

- Ackerman, N.W.(1999). The group sedge of family therapy. In C.J. & H.S. Kaplan(Eds). *Progress in group and family therapy*. New York: Barner/ Mazel publishers
- Andrew.,M.(2010).*Family Sociology and Marriage*.Farangis Ardalan Translator.Tehran:Publications of the Faculty of Social Sciences and
- Banes, R.(2004). Adult attachment and marital satisfaction: Evidence for dyadic Configuration effects. *Journal of social and personal relationships*, 21,273-281.
- Baumrin, B.(2012). *Divorce, Encyclopedia of Applied Ethis* (second Edition), New York.
- Bradbury,T.N., Fiacham, F.D. & Beach,S.R.H.(2010). Research on the nature and Determinant of marital Satisfaction. *Journal of marriage and Family*. vol. 62, issue4.64-98.
- Crowley,A.(2006). Coping strategies us moderators of the between relationshin Attachment and marital Adjustment. *Journal of social and personal relation Ships*,1-791-777.
- Esmaeil kia, M.(2013).The effectiveness of teaching Stress Coping strategies to Enhance marital satisfaction of woman after Patners Extramarital affair, *procedia-social ad behavioral sciences*, 84,70-75.
- Fisher, T. D. & MC Nalty, J. K.(2008). Neuroticism and marital satisfaction: The Mediating role played by the sexual relationship, *Journal of Family Psychology*, 22, p.112-122.
- Gottman, J. M.(1999). Psychology and the study of marital processes. *Annua Review Of psychology*,49,149-167.
- Greef, A. P. (2010). Characteristics of families that function well. *Journal of Family Issues*, 21, 948-963.
- Hazan, C., & shaver, P.(1987). Attachment as an organizational frame work for Research on close relationships, psychological Inquiry: International.*Journal of peer commentary and review*,5/1:1-22.
- Hulford, W. K., Lizzzio, A., Wilson, K. L.(2007). Does working at your marriage help Couple relationship, self- regulation and satisfaction in the first years Of marriage. *Journal of family psychology*,21(2),P.185-194.
- Kaglyn, K. Mosston, M. & Hats, R.(2002). Influence or attachment styles on romantic relationships. *Journal of personality and social psychology*.5/971-980.
- Mezulis, A. H., Abramson, L.(2015). Stress and Emotional reactivity as explanation Forge ender differences in adolesents depressive symptoms. *psychological Bulleting*,13.(5),711.
- Spanier, G B.(1976).Measuring dyadic adjustment: New scules for assessing the quality of marriage and similar days. *J marrge Fam*.1983,(12):286-95.